



شماره ۶۸۵، دوره هشتم
سال بیستم، ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

مبارزه برای افزایش دستمزدها
ص ۳
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو

در اندازیم
ص ۴
شعر اول ماه مه
ص ۵
انعکاس مبارزه کارگران ایران

در جهان
ص ۷
پیام فدراسیون جهانی اتحادیه‌های

کارگری جهان
ص ۸

**تشدید مبارزه بر ضد استبداد وظیفه
مبرم طبقه کارگر در شرایط کنونی**

سالی که سپری شد، برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما حاوی درس‌ها و تجربیات فوق العاده ارزشمندی بود. بی شک این تجربیات می‌باید در حال و آینده مورد توجه قرار گرفته و از آنها بسود مبارزه برای تامین خواسته‌های صنفی و سیاسی استفاده شود.

طی سال گذشته در ادامه روند اجرای برنامه اصلاح ساختار اقتصادی کشور شاهد آن بودیم که

ادامه در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت اول ماه مه - روز جهانی کارگر

خود را به همه کارگران و زحمتکشان جهان که در صفوف پر شمار خود پرچمدار مبارزه بی موثر و هدفمند بر ضد جنگ طلبی، برتری جویی امپریالیستی و گسترش «جهانی شدن» سرمایه داری بوده اند، تقدیم می‌کند.

کارگران و زحمتکشان ایران امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که میهن مان دوران فوق العاده حساسی را از سر می‌گذرانند. تهاجم سیاسی همه جانبه نیروهای ارتجاعی برای مسدود و معکوس کردن روند اصلاحات سیاسی، در جریان انتخابات مجلس هفتم، و اوضاع بغرنج و پیچیده منطقه خلیج فارس و کشورهای همسایه، و حضور نیروهای نظامی امپریالیسم در افغانستان و عراق تهدیدهای ویژه‌ی را متوجه استقلال کشور و تحولات سیاسی در میهن کرده است. نیروهای واپس‌گرا و تاریک اندیش سعی دارند که پس از بازپس گرفتن کنترل مجلس با به کارگیری همه جانبه ماشین سرکوب و سانسور مانع پیشرفت مبارزه قانونمند مردم زحمتکش میهن ما در مسیر دفاع از صلح و گسترش دموکراسی، حقوق بشر و عدالت

کارگران و زحمتکشان ایران کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا رسیدن اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را صمیمانه و با آرزوهای نیک انقلابی به شما شادباش می‌گوید.

نبرد خونین کارگران شیکاگو در روز اول ماه مه ۱۸۸۶، طلایه دار دوران نوین، دوران برافراشتن درفش خونفام کارگران و زحمتکشان در رویارویی با قدرت دوزخی سرمایه بود. پس از گذر بیش از یک قرن کار و پیکار و پشت سرگذاری تحولات متنوع و بغرنج و تجربه عقب نشینی‌ها و پیروزی‌های بزرگ، کارگران جهان در ابتدای هزاره سوم میلادی نقش بی بدیل خود به مثابه گردان اصلی صلح جویی، عدالت خواهی و مبارزه برای پیشرفت اجتماعی را تثبیت کرده اند.



در کشورهای سرمایه داری رشد یافته، طبقه کارگر در اتحادیه‌ها و سندیکا‌های نیرومند خود سازمان یافته است و زحمتکشان با پرچم دفاع از عدالت اجتماعی، دموکراسی واقعی و صلح، برضد هجوم انحصارها و نیروهای مدافع اعمال سیاست‌های نولیبرالی، و در راه تامین حقوق و منافع حیاتی

خود مبارزه می‌کنند. در کشورهای در حال رشد نیز طبقه کارگر در اتحاد با دیگر زحمتکشان به پیکار عادلانه خود بر ضد بهره کشی و ستم در راه دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ادامه می‌دهد. مبارزه جهانی طبقه کارگر در راه صلح و سوسیالیسم و بر ضد امپریالیسم و ارتجاع بر رغم شرایط دشوار سال‌های اخیر گسترش کمی و کیفی قابل توجهی یافته است.

حزب توده ایران به مناسبت فرارسیدن روز اول ماه مه درودهای رفیقانه

اجتماعی بشوند و در این راه موفقیت‌هایی نیز داشته‌اند. نیروهای حاکم در جهان سرمایه، به نمایندگی از سوی انحصارهای فراملی، می‌کوشند با معامله‌های پشت پرده با رژیم و هدایت آن به سمت استحاله برای گسترش روابط و حفظ و تامین منافع تاکتیکی، استراتژیکی و منطقه‌یی؛ امکان دستیابی همه جانبه و بی محدودیت را بر منابع اولیه و انسانی و همچنین بازارهای وسیع ایران و همسایگان آن را فراهم کنند.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه تشدید مبارزه بر ضد استبداد ...

زحمتکشان در چارچوب صرفاً صنفی است. ترسیم مرزبندی مصنوعی میان خواسته‌های صنفی با خواسته‌های سیاسی و جلوگیری از هرگونه حرکتی که با خواسته‌های سیاسی پیوند داشته باشد، از سوی جمهوری اسلامی به شدت دنبال می‌شود.

در این باره باید یادآوری کنیم، مبارزات صنفی رفاهی و مبارزات سیاسی دویخش بکلی مجزا و بدون ارتباط با یکدیگر نیستند، گرچه هر یک در زمینه‌ی مستقل بروز می‌کنند و هویت خاص خود را دارند. اما به هیچ وجه جدا و رودرروی هم قرار ندارند.

طبقه کارگر ایران در شرایط دشوار کنونی پیوندی منطقی میان این دو عرصه با اهمیت برقرار کرده و این ناشی از آگاهی طبقاتی و نیز پشتوانه تاریخی جنبش سندیکایی و تجربیات چند دهه گذشته است.

برخلاف تبلیغات رژیم و کوشش ارگانهای وابسته به آن نظیر خانه کارگر مبارزات زحمتکشان برضد خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی امنیت شغلی مزدبگیران، دارای ماهیت سیاسی است و فقط در چارچوب تنگ منافع صنفی خلاصه نمی‌شود. به این ترتیب اکنون کارگران و زحمتکشان با برقراری پیوندی صحیح که پایه عینی دارد، در راه خواسته‌های صنفی و سیاسی خود می‌رزمند. در اینجا و بر اساس این واقعیت باید مهمترین و کلیدی ترین عامل را در این مبارزه تشخیص داده و به عنوان محور اصلی پیکار مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر اکنون مهمترین حلقه مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان چیست؟! برای یافتن پاسخ درست به این پرسش می‌باید عمده ترین عامل را در میان عوامل متعدد که منافع و حقوق زحمتکشان براساس آن نابود و پایمال می‌گردد، روشن ساخت.

تجربه سالیان اخیر نشان می‌دهد، برای آنکه زحمتکشان بتوانند از منافع خود در برابر یورش های مداوم دفاع کنند به تشکل های مستقل صنفی نیازمند هستند. اکنون کارگران به دلیل عدم حضور سندیکاهای واقعی قادر نیستند از حقوق صنفی شان در جامعه و یا به هنگام تدوین لویحی که با زندگی و کار آنان ارتباط دارد دفاع کرده و مانع از پایمال شدن حق خود شوند. نبود سندیکاهای، به عنوان یکی از بدیهی ترین حقوق دموکراتیک، ثابت می‌کند، آن حلقه اصلی که باید بر حول آن مبارزه را سازماندهی کرد، همانا استبداد و خودکامگی است که در قالب دیکتاتوری فردی یعنی ولایت فقیه مانع هرگونه تحولی بسود آزادی و عدالت اجتماعی است. بنابراین تشدید مبارزه با استبداد که به ویژه پس از انتخابات فرمایشی و ضد مردمی اول اسفند ماه می‌کوشد، موقعیت خود را تحکیم کند، عرصه مهم و وظیفه تاخیر ناپذیر زحمتکشان برای تامین منافع به حق شان است.

استبداد حاکم بر میهن ما، عامل اصلی فقر و تیره روزی زحمتکشان و نابودی زندگی آنهاست. ارتجاع و سیاه ترین لایه های سرمایه داری ایران در زیر حمایت ولایت فقیه به غارت و چپاول هستی زحمتکشان مشغول هستند، همین نیروهای سیاه و کارگرسنیز، مانع ایجاد سندیکاهای واقعی و عامل اصلی پایمال شدن امنیت شغلی زحمتکشان به شمار می‌آیند. برای تامین همه خواسته‌های صنفی رفاهی، تاکید می‌کنیم، همه خواسته‌ها در شرایط کنونی می‌باید مبارزه بر ضد استبداد را گسترش داد. برقراری پیوند میان اعتراضات پراکنده و تبدیل آن به یک جنبش وسیع، جز از راه تشدید مبارزه برضد ارتجاع حاکم رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست.

آن حلقه اصلی که باید در مبارزه کنونی لحظه‌ی از نظر دور نداشت مبارزه برضد دیکتاتوری حاکم در قالب رژیم ولایت فقیه است، این وظیفه میرم طبقه کارگر به عنوان ستون فقرات جنبش مردمی در لحظه حاضر است!

امنیت شغلی و بطور کلی منافع و حقوق اولیه زحمتکشان بیش از پیش مورد یورش و دستبرد قرار گرفت.

تدوین، تصویب و سپس اجرای لویح و قوانین متعدد ضد کارگری در ارگانها و نهادهای رژیم ولایت فقیه به نحوی گسترده و مستقیم به منافع طیف وسیع مزدبگیران و در رأس آنها طبقه کارگر آسیب های جدی و اساسی وارد ساخت.

به بیان دیگر، با اوجگیری فشار به جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف، سران حکومت یکی از مهمترین راه های بقاء خود و یا دقیق تر گفته باشیم حفظ نظام را هماهنگی و پیوند ژرف تر با دستورات و نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قرار داده اند.

شتاب در اجرای برنامه خصوصی سازی، تدوین و تصویب قوانین آنها به سرعت و بدون ارزیابی علمی و کارشناسانه برای جلب و جذب سرمایه خارجی همگی در راستای این هدف قابل ارزیابی می‌باشد. پیامدهای اجتماعی اقتصادی و فرهنگی این سیاستها اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست و حتی رژیم نیز توانایی انکار آن را ندارد. زحمتکشان کشور اعم از فکری و یدی قربانیان اصلی برنامه های دیکته شده از سوی محافل قدرتمند سرمایه داری جهانی هستند و پیامدهای ناگواری که بدان اشاره شده، در درجه نخست شامل حال آنها می‌گردد. بیکاری گسترده، سقوط سطح زندگی آنها بطور پیوسته، دستمزدهای پایین تر از نرخ واقعی تورم، افزایش سرسام آور هزینه ها، رواج شتابان قراردادهای موقت که به اعتراف مسئولان حکومتی نزدیک به نیمی از کارگران را دربر می‌گیرد و نبود امنیت شغلی همگی حاصل برنامه هایی است که در قالب برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی به اجرا درآمده است. شرایط آنچنان وخیم است که، حتی گردانندگان تشکل های زرد و ارتجاعی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و جز اینها، زنگ خطر را به صدا در آورده و در هراس از رشد جنبش اعتراضی زحمتکشان به سران رژیم ولایت فقیه هشدار می‌دهند. به علاوه این ارگان ها با حمایت مستقیم جناح بندی های رژیم تلاش دارند مبارزه به حق کارگران و زحمتکشان را درمجرای قابل کنترل انداخته و آنرا تحت هدایت خود بگیرند. تبلیغات اخیر خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی پیرامون فعالیت اتحادیه بی ضرورت مقابله با برنامه چهارم توسعه، تشکیل فراکسیون کارگری در مجلس هفتم و غیره به همین منظور با تب و تاب عنوان می‌شود. به عنوان یک نمونه در این زمینه باید به بیانیه کانون عالی شوراهای اسلامی کار در ارتباط با ماده ۸۳ قانون برنامه چهارم اشاره کرد.

این نهاد وابسته به رژیم و در خدمت منافع غارتگران، در آستانه اول ماه مه و با شناخت سمت و سوی مبارزه کارگران و درجه نارضایتی آنان از عملکرد مجموعه رژیم ولایت فقیه، با صدور این بیانیه کوشیده است جنبش اعتراضی روبه گسترش را به کنترل خود در آورده و بر آن مهار زند. در بیانیه مذکور خواست حذف ماده ۸۳ عنوان گردیده، بدون اینکه از سمت گیری اقتصادی اجتماعی که شالوده این نوع قوانین است، سخن گفته باشد، به بیان روشن در شرایط حاضر، یکی از اصلی ترین هدف های رژیم ولایت فقیه با توجه به بحرانی که سراپای جامعه را فراگرفته، هدایت مبارزات

مبارزه برای افزایش

دستمزدها

افزایش سطح دستمزد مطابق با نرخ واقعی تورم، یکی از مهمترین عرصه های پیکار جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما طی چند سال اخیر بوده است! خواست افزایش دستمزدها در پیوند با یکی از میرم ترین مطالبات کارگران و زحمتکشانش یعنی درخواست به موقع دستمزدها که طی ۴-۵ سال اخیر به تنش های حادی دامن زده، از زمره مواردی هستند که می باید در مرکز توجه فعالان توده یی و کارگران آگاه قرار گرفته و به مثابه عوامل عینی در سازماندهی جنبش کارگری - سندیکایی و ارتقاء سطح آن مد نظر باشد!

این امر از آن رو حائز اهمیت است که، خواست به حق و بدیهی افزایش سطح دستمزدها و پرداخت به موقع آن نه تنها، شامل کارگران بلکه در برگیرنده طیف گسترده یی از حقوق بگیران اعم از فکری و یدی نیز می شود. مبارزه قهرمانانه فرهنگیان و پرستاران در ماههای گذشته حول این مساله خود گواه روشن این مدعاست. هنگامیکه از مبارزه در راه افزایش سطح دستمزدها و پرداخت به موقع آنها سخن می گوئیم و بر اهمیت آن به عنوان عوامل عینی در راستای سازماندهی کارگران انگشت می گذاریم، باید یادآور شویم که این مبارزه از آنجا که با زندگی و امنیت شغلی زحمتکشانش ارتباط دارد و آنها بطور روزمره با آن مواجه هستند، خواه و ناخواه این پرسش برایشان طرح می گردد که علت عدم افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم چیست؟ و چرا هر ساله شورای عالی کار در تعیین حداقل دستمزد منافع کارگران را زیر پا می گذارد؟! توجه کارگران و زحمتکشانش به این امر و تلاش برای یافتن پاسخی روشن به این پرسش کلیدی، به خودی خود گامی بلند و کیفی در زمینه ارتقاء آگاهی و درک ضرورت سازماندهی مبارزه است. زحمتکشانش میهن ما به تجربه طی چند سال گذشته به خوبی دریافته اند که علت اساسی سقوط سطح زندگی و پائین بودن سطح دستمزدها ناشی از سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. سمت گیری که در برنامه سوم و چهارم توسعه بنا به فرمان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بازتاب یافته و پس از پایان جنگ هشت ساله با عراق توسط دولت هاشمی رفسنجانی آغاز و تا امروز ادامه یافته است! محور عمده و محتوای اصلی این سمت گیری آنچنانکه سخنگوی دولت در سال گذشته عنوان کرد، اصلاح ساختار اقتصادی کشور بر پایه خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه است و راه آن نیز محدود کردن هر چه بیشتر منافع و حقوق زحمتکشانش می باشد. به بیان روشن هدف برنامه اصلاح ساختاری که هیئت مدیره اجرائی صندوق بین المللی پول موکداً اجرای آن را از جمهوری اسلامی درخواست کرده و پیش شرط هرگونه همکاری نزدیک با رژیم است نیز تامین نیروی کار ارزان و مطیع برای انحصارات فراملی است.

با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، باید گفت مبارزه برای افزایش دستمزدها و پرداخت به موقع آنها، صرفاً در دایره تنگ یک خواست آبی صنفی - رفاهی نمی گنجد. این مبارزه هوشیارانه هم برای تامین حق دریافت دستمزد مناسب است و هم مبارزه ای برضد برنامه های اقتصادی رژیم و سمت گیری ضدملی آن. درست به همین علت است که زمینه های عینی کار سازمان گران و روشنگرانه را برای فعالان کارگری در میان توده های وسیع زحمتکشانش به ویژه و در راس آنها کارگران مهیا می سازد. برای آنکه تصویری دقیق از چگونگی تعیین حداقل دستمزدها توسط رژیم ولایت فقیه ارائه شود و تفاوت میان خواست کارگران و اقدامات رژیم عیان گردد نظری گذرا به چند سال اخیر در ارتباط با تعیین حداقل دستمزدها سودمند است.

در سال ۱۳۷۶ شورای عالی کار جمهوری اسلامی حداقل دستمزد

را ۸۴۸ تومان یعنی ماهانه کمتر از ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین کرد.

در این سال کارگران خواستار افزایش دستمزدی معادل ۵۰ درصد بودند. قبل از آنکه حداقل دستمزد تعیین شود، گروهی از کارگران استانهای تهران، خراسان، آذربایجان شرقی و کرمانشاه طی نامه ای رسمی از شورای عالی کار درخواست تعیین حداقل دستمزدی به میزان ۶۲ هزار تومان را کردند. این کارگران نوشتند: «کارگران را دریابید، گرانی، تورم کمرشکن، پشت ما را خمیده کرده، ما خواستار حداقل دستمزدی معادل ماهیانه ۶۲ هزار تومان هستیم برای فقط رفع نیازهای اولیه زندگی...» در همین سال آمار رسمی که در روزنامه اطلاعات درج شده بود، نشان می داد، «با حداقل دستمزدهائی که تعیین شده، حداقل ۲۰ درصد از کل کارگران نمی توانند، کالری مورد نیاز خود را تامین کنند. ۴۰ درصد آنها افرادی هستند که حقوقشان فقط تکافوی تامین کالری را می کند و پوشاک و مسکن آنها را باید نادیده گرفت.» با این همه، باز هم در سال ۱۳۷۸ حداقل دستمزد کارگران ۱۱۹۰ تومان یعنی ماهانه ۳۵۷۰۰ تومان تعیین شد. پیش از این، روزنامه توقیف شده سلام به نقل از کارشناسان اقتصادی گزارش داده بود: «بر اساس مطالعات موجود، خط فقر خانوار پنج نفره شهری حدود ۱۰۰ هزار تومان است.» کارگران در این سال نیز افزایش حداقل دستمزدی به مراتب بیش از ۳۵۷۰۰ تومان را تقاضا کرده بودند. نکته جالب اینکه در سال مذکور، با افزایش بهای بنزین و گازوئیل به ترتیب ۷۵ درصد و ۱۰۰ درصد، نرخ تورم صعود پیدا کرد و سطح زندگی و قدرت خرید کارگران و خانواده های کارگری نسبت به مدت مشابه سال قبل سقوط باز هم بیشتری کرده که کارشناسان آن را معادل ۳۰ درصد کمتر از سال قبل ارزیابی نمودند.

در یک مقایسه ساده روشن می شود، کارگران در سال ۱۳۷۶ خواستار ۶۲ هزار تومان دستمزد بودند در حالیکه شورای عالی کار، در سال ۷۸ حداقل دستمزد را حدود ۳۷ هزار تومان تعیین کرد. یک تفاوت آشکار و هول انگیز! در سال ۱۳۷۹، حداقل دستمزد کارگران ماهیانه حدود ۴۵ هزار تومان مقرر شد. رئیس کانون شوراهای اسلامی کار، نهاد در خدمت رژیم در روزنامه کار و کارگر در اسفند ماه سال ۷۸ نوشته بود: «طبق محاسبات انجام گرفته حداقل حقوق باید ۱۱۰ هزار تومان باشد.»

در همین سال اعلام گردید، بررسی روند افزایش دستمزد کارگران نشان می دهد که از سال ۱۳۵۹ تا ۵ سال بعد از آن حقوق کارگران مطلقاً افزایش نیافته و از سال ۶۴ تا ۶۶ نیز افزایش بسیار ناچیز بوده است. از سال ۶۶ این افزایش با توجه به رشد شدید تورم هیچگاه پاسخگوی حداقل نیازهای کارگران نبوده و هر سال نسبت به نرخ واقعی تورم، دچار عقب ماندگی بیشتری شده است. شکاف بین دستمزد کارگران و سبد هزینه آنان از سال ۶۹ تا کنون ۵ برابر افزایش یافته است. در سال ۱۳۷۹، در گزارش صندوق بین المللی پول از جمهوری اسلامی و دولت محمد خاتمی به دلیل اجرای برنامه خصوصی سازی تقدیر به عمل آمده بود. یکی از مسائلی که جنبش کارگری - سندیکائی هوشیارانه در جهت افشاء آن در سال ۱۳۷۹ عمل نمود، نشان دادن غیر واقعی بودن آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی در مورد نرخ تورم بود. بانک مرکزی به دروغ و با هدف معین هر ساله نرخ تورم را بسیار پائین تر از نرخ واقعی ارزیابی و اعلام می کند. شورای عالی کار نیز با مبنا قرار دادن این نرخ دروغین، پایه حداقل دستمزد را تعیین می کند.

در اسفند سال ۷۹، زیر فشار جنبش اعتراضی کارگران، افشاء شد که «نرخ واقعی تورم در ده ماهه امسال (۷۹) که از سوی بانک مرکزی ۸/۱۲ درصد اعلام شده، رقم صادقانه ای نیست، محاسبات سبد هزینه کارگران در سال جاری (۷۹) حتی تا ۱۱۰ درصد افزایش داشته است.»

در سال ۱۳۸۰ نیز بار دیگر نمایندگان دولت، تشکل های کارفرمایی و همچنین تشکل های زرد و ارتجاعی به نام کارگری با مبنا قرار دادن رقم غیر صادقانه و نادرست بانک مرکزی جمهوری اسلامی، حداقل دستمزد را به میزان ۵۶ هزار و ۷۹۰ تومان اعلام کردند.

در این سال طرح اصلاح ساختاری اقتصاد کشور وارد مرحله عملی شد. طرح نوسازی صنایع نساجی که طرحی ضد کارگری است از تصویب مجلس ششم گذشت. به دنبال آن طرح نوسازی صنایع کشور اعلام شد که اصلاح قانون کار بسود سرمایه داران از بهترین مواد آن است. در سال ۸۰ در اواسط اسفند ماه طرح ضد کارگری دیگری بنام لایحه حمایت از تاسیس مجتمع های بزرگ و متمرکز

تهران برگزار نمایند. سال های بعد ایران شاهد رشد سریع کمی و کیفی اتحادیه های کارگری است و متعاقب آن مطالبات بحق کارگران و زحمتکشان میهنمان نیز افزایش می یابد. ارتجاع حاکم که از رشد و گسترش جنبش کارگری و اتحادیه ای در هراس بود، در مقابل این خواسته ها می ایستد و کارگران و زحمتکشان میهن مان در مقابل عکس العمل خشن ارتجاع، چاره ای جز توسل به سلاح اعتصاب نمی بینند. زمانی انگلس نوشت: «اعتصابات یک مدرسه نظامی هستند که در آن کارگران برای مبارزه بزرگی که دیگر اجتناب ناپذیر شده، خود را آماده می کنند. اعتصاب نمایش گردان های جداگانه طبقه کارگر است که الحاق خود را به جنبش کارگری اعلام می کند.» مارکس و انگلس، مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۴۴۸ مضمون این جملات در مورد جنبش کارگری و اتحادیه بی ایران نیز صدق می کند. در بین سال های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ جنبش اعتصابی کارگران و زحمتکشان میهنمان افزایش چشمگیری می یابد.

پس از روی کار آمدن رضا خان میرنچ و برقراری دیکتاتوری وی، یورش و فشار ارتجاع بر جنبش کارگری و اتحادیه های افزایش یافت. بر طبق اسناد موجود تعداد کارگران صنعتی ایران در نیمه اول دهه ۱۳۰۰ بالغ بر صد هزار نفر بود که بالغ بر پنجاه هزار نفر آن در صنایع نفت جنوب مشغول بکار بودند. کارگران نفتگر جنوب علیرغم کمیت چشمگیر خود، فاقد تشکیلات و اتحادیه کارگری بودند. این ضعف از چشم حزب کمونیست ایران پنهان نبود. اتحادیه کارگران صنایع نفت در سال ۱۳۰۴ و سازمان مخفی کارگران نفت جنوب در سال بکمک مستقیم حزب، شکل می گیرند. سازمان مخفی کارگران نفت جنوب موفق شد با برگذاری دو کنفرانس، درخواست تجدید نظر در قرارداد امتیاز نفت جنوب و درخواست هایی در جهت بهبود شرایط کار و کارگران نفت را مطرح نمایند. کارگران تصمیم گرفتند که برای رسیدن به مطالباتشان در روز اول ماه مه ۱۳۰۸ دست به اعتصاب بزنند. کمپانی انگلیسی نفت جنوب از تصمیم کارگران مطلع می شود و دو روز قبل از شروع اعتصابات، شبانه ۹۳ نفر از فعالین و اعضای اتحادیه کارگران را توقیف می کند.

اعتصاب ولی با چهار روز تأخیر از موعد مقرر در روز ۱۴ اردیبهشت (۴ ماه مه) ساعت هشت صبح آغاز می شود. عمال کمپانی و دستجات پلیس با حمله به کارگران اعتصاب سه روزه آنها را سرکوب می کنند. اگر چه اعتصاب نفتگران جنوب شکست خورد و کارگران به مطالبات خود نرسیدند، اما برای نخستین بار در ایران اهمیت نیروی متشکل کارگران به نمایش در آمد. دو سال بعد از حرکت نفتگران جنوب، کارگران کارخانه نساجی وطن اصفهان، تحت رهبری حزب کمونیست ایران، موفق شدند با توسل به سلاح اعتصاب به خواست های خود دست یابند.

دیکتاتوری رضا شاهی با گذراندن قانون سیاه ضد کمونیستی ۱۳۱۰ از مجلس به سرکوب و پیگرد کمونیست ها و دیگر نیروهای دموکرات و مترقی افزود. جنبش کارگری و کمونیستی ایران بعد از یک دوره رشد و صعود به مرحله افول خود وارد می شود اما علیرغم خواست و تلاش ارتجاع، هیچگاه ریشه کن نشد. تلاش کمونیست ها به شکل مخفی ادامه یافت و مرکز فعالیت حزب کمونیست ایران اینبار توسط دکتر تقی ارانی و همزمانش، احیا گردید. رژیم رضا شاهی که نتوانسته بود با داغ و درفش قاعله کمونیست ها و جنبش کارگری ایران را از سر خود باز کند، حالا با موجی از مقاومت های دانشجویی و دانشگاهیان کشور نیز مواجه شده بود. بگیر و ببندها تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت. دکتر تقی ارانی در پی این یورش ها دستگیر و زندانی می گردد و بر اثر شکنجه های وارده، ناجوانمردانه در زندان به شهادت می رسد. کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی ای که توانسته بودند جان سالم از زندان های رضا خان بدر ببرند، بعد از سقوط دیکتاتوری وی در مهر ماه سال ۱۳۲۰ حزب توده ایران را تأسیس نمودند تا بمتابه وارث حزب

فلک را سقف بشکافیم و

طرحی نو در اندازیم

به مناسبت ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز

همبستگی بین المللی کارگران جهان

عید کارگران جهان از راه می رسد. جهان به استقبال عیدی می رود که تاریخی سراسر رنج و پیکار و خون و ایثار دارد. رنج و پیکاری که سرشت زندگی کارگر را می سازد و خون و ایثاری که از ظلم و استثمار انسان بر انسان حکایت ها دارد. خون و سرود کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ میلادی جامه اول ماه مه پوشید و بر فراز مرزهای کشورهای جهان پرده از جنایت سرمایه داران غارتگر برداشت و همزمان نابودی محتوم سرمایه داری را نوید داد. پیامی که بر لبان کارگران اعتصابی شیکاگو در خیابان ها و پای چوبه های دار جاری گشت، بر دل کارگران عالم نشست و اول ماه مه به سمبل قهرمانی و ایثار، به یگانگی مبارزه و مبارزه برای یگانگی کارگران جهان بدل شد. طبقه کارگر ایران از همان نخستین روزهای موجودیتش به این رود خروشان پیوسته و پیام همبستگی رزمی و انترناسیونالیستی خود را به گوش کارگران جهان رسانیده است.

تاریخچه برگزاری جشن اول ماه مه به مثابه روز همبستگی و اتحاد بین المللی کارگران در ایران، سیر پُر فراز و نشیبی دارد که با تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی میهنمان عجین گشته است. هرچند دانشمندان، محققین، اساتید و فعالان این جنبش، طی مقالات و نوشته های خود (که به مناسبت های مربوطه و در جای خود در مطبوعات حزب توده ایران منتشر گردیده است) گوشه هایی از تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در ایران را به تصویر کشیده اند، ولی هنوز تحریر همه جانبه و دقیق این تاریخ نیازمند تحقیقات و مجال فزونتری می باشد. بی مناسبت نیست اگر به بهانه روز اول ماه مه، مروری اجمالی و گذرا به تاریخچه برگزاری مراسم این روز فرخنده در ایران داشته باشیم.

اندیشه های انقلابی و چپ برای نخستین بار از سوی کارگران مهاجر ایرانی که از اوایل سال ۱۲۸۰ به قفقاز و باکو رفت و آمد می کردند، به ایران آورده شد. نقطه های نخستین اتحادیه های کارگری بین سال های ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴ همزمان با شروع موج مبارزاتی علیه استبداد قاجاری برای نیل به مشروطیت، بسته شد. نخستین تشکل های کارگری در ایران به شکل اتحادیه ها و انجمن های صنفی بود و هدایت و رهبری این تشکل ها در اختیار سوسیال دمکراسی انقلابی ایران قرار داشت. تلاش برای سازماندهی هسته ها و سازمان های پراکنده طرفدار مارکسیسم در ایران (مانند انجمن همت، اجتماعيون و عاميون) در سال ۱۲۹۶ منجر به تشکیل «حزب سوسیال دموکرات کارگری ایران - عدالت» می شود و در نخستین کنگره این حزب، که در سال ۱۲۹۹ در شهر رشت برگزار شد، نام حزب به «حزب کمونیست ایران» تغییر می یابد.

در سال ۱۲۹۹ یعنی ۸۴ سال پیش برای اولین بار اول ماه مه در ایران، تحت تأثیر انقلاب مشروطیت و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، جشن گرفته می شود. رشد و توسعه اتحادیه ها و انجمن های صنفی کارگران در کشور سیری صعودی داشت. اتحادیه های کارگری در تهران، شورای مرکزی اتحادیه های تهران را تأسیس و توانستند توسط آن اولین تظاهرات باشکوه خیابانی را در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۰۱ در

ادامه فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو...

کمونست ایران امر رهبری مبارزه سترگ و ناتمام طبقه کارگر و زحمتکشان میهن مان را پی گیرد.

تأسیس حزب توده ایران و شرایط مساعد فعالیت آزاد برای فعالین کارگری، روح تازه ای بر کالبد جنبش کارگری و اتحادیه ای ایران دمید. فعالیت حزب جوان ما در بین کارگران و سازماندهی آنها بسیار زود به ثمر رسید و «شورای مرکزی کارگران ایران» در اسفند ۱۳۲۰ بوجود آمد و متعاقب آن در سال ۱۳۲۳ «شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» با وحدت چهار سازمان کارگری و دهقانی، تأسیس گردید. حزب توده ای ما توانست جشن اول ماه مه را در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴ با شکوه بسیار در تهران و شهرستان ها و با حضور بیش از ۳۳۰ هزار شرکت کننده، سازماندهی کند. در مراسم جشن اول ماه مه سال بعد رقم تظاهرکنندگان به بیش از ۷۰۰ هزار نفر رسید. رشد سریع حزب توده ایران در جامعه و کسب اعتبار بالای سیاسی در بین کارگران و زحمتکشان، که به اعتلای جنبش کارگری و اتحادیه ای انجامید، هراس و نگرانی ارتجاع حاکم و نیروهای استعماری را برانگیخت. یورش وسیعی را که محافل ارتجاع تدارک دیده بودند به بهانه تیراندازی به سوی محمد رضا شاه، به اجرا در آورده و حزب را در سال غیرقانونی اعلام کردند.

فعالیت حزب در حالت مخفی هم ادامه داشت و توانست نقش بسزایی در بسیج و سازماندهی کارگران و زحمتکشان میهنمان در جریان جنبش ملی شدن صنعت نفت و در مقابله با توطئه های دربار و استعمار علیه دولت قانونی دکتر مصدق، ایفاء نماید. با انجام کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ (که هدف عمده اش سرکوب حزب توده ایران و جنبش کارگری بود) و استقرار دیکتاتوری پهلوی، جنبش کارگری و سندیکایی ایران نیز به دوران افول دیگری وارد می شود. اما حتی در سالهای سیاه حکومت محمدرضا پهلوی هم کارگران ایران به مبارزات خود ادامه می دهند و جشن های اول ماه مه را زیر برق سرنیزه های دشمن برگزار می کنند.

در سال های آخر حکومت ستم شاهی و دوران اعتلای جنبش اعتراضی مردم ایران، نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان کشورمان در به ثمر نشاندن انقلاب بهمن ۱۳۵۷، یکبار دیگر پتانسیل شگرف، پیگیر و انقلابی طبقه کارگر ایران را به نمایش گذاشت. بزرگترین جشن اول ماه مه در تاریخ ایران، تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۸ با شرکت میلیون ها نفر با فریادهای «درود بر کارگر» برگزار گردید.

رویدادهای سال های بعد از انقلاب و استقرار دیکتاتوری قرون وسطایی «ولایت فقیه» در ایران، که با سرکوب و ترور مجدد نیروهای کمونیست، چپ و فعالین کارگری میسر شد، دوباره روند طبیعی رشد و شکوفایی جنبش مستقل کارگری ایران را با مشکلی اساسی روبرو گردانیده است. تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان فراز و نشیب های بسیاری را به خود دیده است ولی هرگز ارتجاع قادر نبوده و نخواهد بود مانع دائمی اتحاد، مبارزه و پیروزی آنها گردد. کارگران میهن ما در این سالهای شوم نیز روز اول ماه مه را به اشکال و شیوه های گوناگون گرامی می دارند. پیام ظفرنمون کارگران اعتصابی شیکاگو کماکان در سراسر عالم طنین انداز است.

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

اول ماه مه

بیاید عهد پیشین را به یاد آریم
امید رفتگان را تازه گردانیم
در این فرخنده جشن ماه مه جام نخستین را
به یاد آن رفیق، یا آن شهید خلق ما نوشیم
که در این نو بهار ما
اگر بس سرخ گل، بس لاله خواهد رست
ز خون پاک ایشان مایه خواهد داشت

جهان پیر ما یاران!
امید و آرزوهای جوان دارد
ولی افسوس،
که این جنگاور پیر و امیدافروز ملت ها
نشد سالی که داغی را به داغ ما نیفزاید

جهان می خواهد این رسم کهن را ما براندازیم
«فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم»
بدین شهر ستم گستر بساط عدل و علم آریم
که «دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم»

شما ای همهرهان با هر کلام اتحاد و هر سرود خوش
طلوع آفتاب آرزوها را
به جان ها مژده می آرید:
رسد آن روزگار خوش که دنیا را جوان سازیم
درفش کاوه را با رأی و فتوی زمان خود
به دشت و کوه و دریاها بیافرازیم
رسد آن روزگار خوش
که فارغ از غم نان و ستمهای توان فرسای امروز
ز حاصل بخشی کار خود و عدل زمان اقتدار خود
به رسم حافظ شیراز
همیشه «گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم»
و یاد آن رفیقان را
که جان را جام فتح مردمان کردند
سرودی جاودان سازیم.

* * *

شعر «اول ماه مه» یکی از اشعار رفیق شهید توده ای،
حسن حسین پور تبریزی، از رهبران جنبش سندیکایی ایران است که
در بهار ۱۳۳۸ سروده شده است

رفیق حسن حسین پور تبریزی به دست مزدوران رژیم ولایت فقیه زیر
شکنجه های وحشیانه به شهادت رسید.
یادش گرامی و راهش پیر رهرو باد!

ادامه پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به...

کارگران و زحمتکشان ایران

رژیم «ولایت فقیه» با ادامه و تسریع سیاست های ضدملی درهای باز و خصوصی سازی و برداشتن پوشش حمایت های قانونی از کارگران در عمل جز رنج و تیره روزی، جز فقر و بیکاری و بی خانمانی برای شما به ارمغان نیاورده است.

در حالی که سرمایه داران وابسته به جناح های حکومتی از همه گونه آزادی عمل برای ادامه چپاول گری خود و دستبرد به منابع ملی و طبیعی برخوردار هستند، کارگران و زحمتکشان به طور روزمره هدف سیاست های سرکوبگرانه رژیم قرار دارند. سرمایه داران و کارفرمایان با بهره گیری از مصوبه خارج کردن کارگران کارگاه های تولیدی با کمتر از ۱۰ کارگر را از شمول حمایت های محدود قانون کار و با تکیه به حمایت مستقیم دولت و دیگر ارگان های رژیم، و همچنین گسترش بی سابقه قرار دادهای موقت، و در شرایطی که کارگران از دسترسی به تشکل های صنفی واقعی خود محرومند، ستم و بهره کشی طبقاتی را تشدید کرده اند.

در سال گذشته با افزوده شدن ۶ درصد، جمعیت کارگران قراردادی به ۴۲ درصد کارگران کشور رسید. سطح نازل دستمزد کارگران و زحمتکشان شاغل به هیچ وجه با هزینه های سرسام آور و نرخ فزاینده تورم و گرانی همخوانی ندارد. در حالی که ایجاد کار و محل اشتغال به یک معضل ملی تبدیل شده است، سیاست های عمیقاً سئوال برانگیز دولت بی کفایت، از جمله خارج کردن کارگران از شمول مزایای قانون کار با قراردادی کردن آنان، عملاً دست سرمایه داران را در تعطیل کردن مراکز تولیدی و فروش ماشین آلات ضروری برای ادامه کارخانه ها، باز گذاشته است. بیکاری میلیونی و اخراج های فردی و گروهی و به طور کلی نبود امنیت شغلی چون بختگی بر سر کارگران و زحمتکشان سنگینی می کند.

کارگران رزمنده و آگاه

شما در سال های اخیر به دفعات شاهد توحش کاذب گزاران رژیم سرمایه داری حاکم بر میهن ما بوده اید. آخرین نمونه این اقدامات ضد انسانی و جنایتکارانه فاجعه به رنگبار بستن کارگران معترض مجتمع ذوب مس شهربابک و به خون کشیدن ده ها کارگر، که خواهان حقوق قانونی خود بودند، در دی ماه سال گذشته بود. کوشش رژیم برای جلوگیری از برگزاری جشن اول ماه مه به بهانه «حساس بودن» شرایط به تشخیص «شورای امنیت کشور»، محدود کردن این مراسم در تهران و شهرستان ها فقط به میدین و پارک ها به منظور جلوگیری از پیوستن مردم عادی به آن و انعکاس شعارهای کارگران در میان مردم، را باید در راستای این سیاست های سرکوبگرانه دانست. مقامات رژیم «ولایت فقیه» از «حساس بودن» شرایط سخن می گویند. آیا این حساسیت به غیر این است که به اظهار منابع رسمی کشور نرخ بیکاری از ۱۲/۸ درصد فزونی یافته است، بیش از ۳۱ درصد جوانان بیکارند، ۲۴ درصد بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، ۶۵ درصد کارگران در زیر خط فقر و بیش از ۲۵ درصد آنان زیر خط فقر مطلق قرار دارند، و ۸۰ درصد بازنشستگان و ۵۰ درصد معلمان کشور زیر خط فقر زندگی می کنند؟

کارگران و زحمتکشان ایران

امسال جشن اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که شما از ابتدائی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک که در بسیاری از کشورها به مثابه امری طبیعی به شمار می آید، محروم هستید و در وضعیت دشوار و توانفرسا به سر می برید. شما پرتوان ترین نیروی اجتماعی در جامعه هستید، هیچ دگرگونی بنیادی و هیچ بهسازی ژرف اجتماعی - اقتصادی بدون شرکت شما و سازمان های واقعی صنفی و سیاسی شما نمی تواند به موفقیت بیانجامد. شاهرگ های حیات اقتصادی کشور یعنی شیشه عمر رژیم در دست شماست. تاریخ معاصر ایران اثبات گر این حقیقت است که هیچ

رژیمی قادر به مقاومت در مقابل عمل متحد و مبارزه پیگیر شما نمی باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران

ادامه و رشد مبارزات صنفی - سیاسی شما در سالیان اخیر نمایشگر امکانات بالقوه جنبش کارگری در پیشبرد امر جنبش مردمی و حرکت در جهت طرد رژیم ولایت فقیه از اهرم های تعیین کننده سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کشور می باشد. شما نشان داده اید که بر رغم ادامه سیاست سرکوب سیاه، برنامه های اقتصادی - اجتماعی ضد ملی و تبعات آن به لحاظ امور شغلی و معیشتی، قادر هستید که با هشیاری و درک روشن طبقاتی به مبارزه هدفمند خود ادامه دهید. مبارزات شما برای برخورداری از حق داشتن سازمان صنفی مستقل، شرکت موثر نمایندگان کارگران در تدوین قوانین و مقررات مربوط به شرایط و حقوق کاری و از جمله حداقل دستمزد، برخورداری از حق مشارکت در برنامه ریزی و مدیریت تولید، بازرسی و نظارت بر بهداشت و ایمنی در محیط های کاری، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی، بهداشت و درمان و آموزش رایگان، تامین مسکن و توسعه تعاونی های کارگری بخشی مهم از مبارزه کنونی مردم ایران است. در این راستا ایجاد تشکلهای و سازمانهای صنفی مستقل کارگری ضرورت فوری دارد و تعطیل ناپذیر است و درست به دلیل همین ضرورت است که کارگران در ایجاد فضای باز سیاسی و دموکراسی بیش از هر طبقه و قشر اجتماعی و نیروی دیگر سیاسی ذینفعند.

حزب توده ایران بر اساس رشد مبارزات کارگران در رابطه با مسائل اقتصادی و صنفی در سال های اخیر، و عقب نشینی های مشخص و حساب شده رژیم، در سال گذشته در رابطه با مساله تشکیل سندیکا ها که زیر فشار سازمان بین المللی کار صورت گرفت، بر این اعتقاد است که زحمتکشان کشور می توانند بر ضعف ها و کمبود های تشکیلاتی جنبش کارگری فایز آمده و سطح سازماندهی و همبستگی در صفوف خود را ارتقاء دهند. باید خواست تشکیل سندیکا های مستقل کارگری بر اساس مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار را در شعار های اول ماه مه تبلور داد و به پرچم مبارزاتی کارگران کشور تبدیل کرد.

سازماندهی موثر طبقه کارگر از طریق تشکیل سازمان های صنفی مستقل، کارا و مبارز آنان پیش شرط توسعه کمی و کیفی مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر و تحولات پایدار و تکامل یابنده در مسیر برطرف کردن ظلم و استثمار می باشد. اتحاد و مبارزه شما بر پایه استفاده از اشکال گوناگون مبارزه صنفی و سیاسی موثرترین ابزار برای هموار کردن راه تحولات پایه بی سیاسی در کشور می باشد. حزب توده ایران تنها حربه موثر برای شکست ارتجاع را اتحاد عمل واقعی و موثر نیروهای مردمی و بسیج توده ها به مقاومت هدفمند می داند. موفقیت جنبش مردمی میهن مان در غلبه برین بست های کنونی در گرو اتحاد هماهنگ و یکپارچه طبقه کارگر با دیگر آحاد جنبش مردمی یعنی زنان و دانشجویان می باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران

بار دیگر فرارسیدن اول ماه مه را به شما سازندگان واقعی تاریخ تبریک می گوئیم و با قلبی سرشار از امید به پیروزی خلق های میهن، به استقبال روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر می رویم.

زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی رزمی کارگران و

زحمتکشان سراسر جهان!

زنده باد طبقه کارگر قهرمان و پیکارگر ایران!

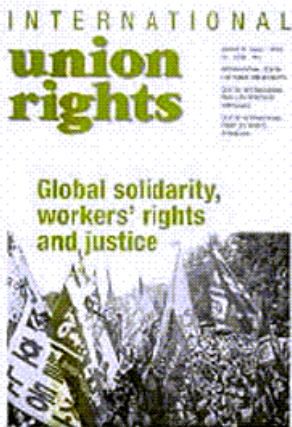
پیروزی مبارزه متحد در راه آزادی، دموکراسی، عدالت

اجتماعی و طرد رژیم کارگر ستیز «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۸۳

انعکاس مبارزه کارگران ایران در جهان



اتحادیه های کارگری مستقل گسترش می یابد و این امر به فعالین سندیکایی با تجربه که برای دو دهه تحت فشار شدید بوده اند، جسارت می بخشد. در حال حاضر جنبشی برای احیاء سندیکاهای مستقل کارگری در تهران و دیگر

شهرهای عمده کشور در حال نضج گیری است. فعالین سندیکایی مطمئنند که با وجود دشواری های عظیمی که در پیش روی آنان قرار دارد، قادر خواهند بود که سهمی تعیین کننده یی در مبارزه جاری برای اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور ایفاء کنند.

ادامه مبارزه برای افزایش دستمزدها...

قابلیافی طرح و تصویب شد که ماهیت عمیقاً ضد کارگری دارد.

در همین سال هیئت مدیره اجرائی صندوق بین المللی پول در گزارش سالیانه خود، رژیم ولایت فقیه و دولت محمد خاتمی را به دلیل انجام اصلاحات ساختاری مورد حمایت قرار داده و بانک جهانی قول همکاری و پرداخت وام به رژیم را داد.

در سال ۸۰، دولت رسماً اعلام کرد، رقم ۷۰ هزار تومان ماهیانه مینا و خط فقر در کشور محسوب می شود. مقایسه این رقم با حداقل دستمزد کارگران به خوبی شرایط ناگوار و دردناک زندگی میلیونها کارگر و خانواده های آنها را نشان می دهد.

در سال پیشین نیز همچون سالیان گذشته، حداقل دستمزدی مخالف با خواست طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان توسط شورای عالی کار تعیین شد، رقم ۶۹۸۴۶۰ ریال! و این در حالی است که کارگران اعلام داشته بودند خواستار حداقل دستمزدی به میزان ۱۸۶ هزار تومان هستند.

در این خصوص یکی از مهره های وابسته به رژیم اعلام کرد: «مطابق شاخص های مختلف که تورم یکی از مؤلفه های آن است، حداقل دستمزد ۱۳۵ هزار و میانگین آن را ۱۸۶ هزار تومان می دانیم. ما معتقدیم باید کارگر حداقل مزدی بگیرد که زنده بماند، زندگی پیشکش». بر پایه آمار منتشره در سال گذشته خورشیدی، حداقل هزینه زندگی در بیست سال گذشته ۱۰۰ برابر شده و در همین حال حداقل دستمزد کارگران بسیار عقب تر از نرخ واقعی تورم است.

علاوه بر این با توجه به طرح یکسان سازی نرخ ارز که به اجرا گذاشته شده است قیمت رسمی دلار از ۱۷۵ تومان به ۷۷۰ تومان رسید و این اثرات تورمی شدید و تکان دهنده یی بر جامعه و در نتیجه زندگی زحمتکشان داشت.

نشریه معتبر «حقوق سندیکایی بین المللی» (International Union Rights) ارگان «مرکز بین المللی حقوق سندیکایی» در آخرین شماره خود به نقل از فعالین سندیکایی ایران، مقاله یی تحلیلی در رابطه با اوضاع و شرایط زندگی و فعالیت کارگران میهن و مبارزات شکوهمند آنان منتشر کرده است. مرکز بین المللی حقوق سندیکایی که از سوی «سازمان بین المللی کار» به رسمیت شناخته شده و مراکز سندیکایی خوشنام و مبارز پنج قاره جهان در آن عضویت دارند، در سالیان اخیر نقش برجسته یی در جنبش همبستگی با زحمتکشان ایران داشته است. نشریه «حقوق سندیکایی بین المللی» که تیراژ جهانی دارد، نظرات تحلیلی ارزنده ای را در رابطه با ضرورت مبارزه برای حقوق سندیکایی در شرایط «جهانی شدن» سرمایه داری، روند مبارزات سندیکایی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و عملکرد انحصارهای فراملی و همچنین مبارزات کارگران در کشورهای در حال رشد منتشر می کند.

مقاله منتشره در رابطه با مبارزات کارگران ایران در آغاز به کشتار سبعانه کارگران معترض مجتمع ذوب مس شهر بابک توسط نیروهای انتظامی و امنیتی حکومت اسلامی که چند هفته قبل از انتخابات فرمایشی، که به پیروزی نیروهای محافظه کار انجامید، اشاره می کند و شرایط دشوار مبارزات کارگری در ایران را برای خوانندگان خود بازگو می کند. مقاله اشاره می کند: «تجربه دردناک این کارگران جلوه ای از وضعیت اسفناک حقوق کارگری در ایران است. کارگران حقوق محدودی دارند و از حفاظت ناچیزی برخوردارند. اگر اعتراضی به امور بکنند، نیروهای سرکوبگر رژیم بر ضد آن ها به کار گرفته می شود..... ملاحظات قانون کار شامل کارگران قراردادی و یا کارگران کارگاه های تولیدی که کمتر از ۱۰ کارگر دارند نمی شود. به گفته میرشکاری، دبیر تشکل کارگری طرفدار رژیم «خانه کارگر»، در استان سیستان و بلوچستان، ۲۸/۵۰۰ شرکت از ۲۹/۰۰۰ شرکت موجود و فعال در این استان که در جنوب شرق کشور قرار گرفته است، خارج از پوشش قانون کار قرار دارند. او اظهار داشت که ۹۵ درصد کارگران این استان در صنایع خدماتی استخدام هستند و از هیچ امنیت کاری ای برخوردار نیستند.» مقاله در بخش دیگری به توضیح ماهیت و عملکرد «شوراهای اسلامی کار» به مثابه ساختارهای کارگری «بی کفایت»، بی تاثیر و طرفدار رژیم می پردازد و اضافه می کند که در ماه ژوئن گذشته (خرداد- تیرماه ۸۲)، هنگامی که دولت پس از مذاکرات طولانی با سازمان بین المللی کار فعالیت سندیکاهای کارگری مستقل را به رسمیت شناخت، شوراهای اسلامی کار کارزار پر سر و صدایی را آغاز کردند و دولت را متهم کردند که قانون کار را نقض کرده است. «آن ها به واقع از این وحشت داشتند که با ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری، شوراهای اسلامی کار محلی از اعراب نداشتند و اضافی خواهند بود. زیر فشار این شورا و کارزار مطبوعاتی وسیعی یی که از سوی روزنامه های راست و افراطی سازمان دهی شد، دولت عقب نشست. با این وجود فعالین کارگری از این فرصت برای گسترش کارزار برای احیاء اتحادیه های کارگری مستقل استفاده کردند.»

در بخش دیگری از این مقاله، سقوط اقتصادی کشور و بی کفایتی دولت مورد مطالعه قرار گرفته و با اشاره به اثرات مخرب موج گسترده خصوصی سازی ها و سیاست درهای باز، و حذف حفاظت های محدود قانون کار برای کارگران کشور به فعالان سندیکایی جهان اطلاع داده می شود که: «بیکاری غوغا می کند، فقر گسترش بیشتری می یابد و زیر ساختار اجتماعی کشور در حال از هم پاشیدن است.» مقاله می افزاید «بیکاری یکی از حاد ترین معضلاتی است که مردم عادی با آن مواجه اند. بر اساس آمار رسمی که توسط بانک مرکزی منتشر شده است، حدود ۱۶ درصد نیروی کار فعال بیکار اند. بر اساس همین گزارش در سال ۲۰۰۱، نرخ بیکاری ۶/۹ درصد افزایش یافت و تعداد بیکاران ثبت شده به ۳/۲ میلیون نفر رسید..... بیشتر اعتراض های کارگری اخیر در رابطه با درخواست حقوق های عقب مانده، نبود امنیت کاری و در اعتراض به خصوصی سازی، اخراج نیروی کار، و همچنین نبود حقوق سندیکایی بوده اند.»

در بخش پایانی مقاله تحت عنوان «مبارزه آغاز شده است» جمع بندی امیدوار کننده ای از مبارزات کارگری ارائه شده و از جمله آورده شده است: «در دو سال گذشته حتی یک روز نبوده است که اعتصاب، تحصن، بستن راه ها و تظاهرات اعتراضی برای بهبود شرایط کاری، پرداخت حقوق معوقه، بازنشستگی زودرس برای مشاغل دشوار، امنیت کاری و جلوگیری از بسته شدن کارخانجات در مطبوعات رسمی کشور گزارش نشده باشد.

شورا های اسلامی کار عملاً از طرف کارگران که به روابط نزدیک آن ها با کارفرمایان معترض هستند، به حاشیه رانده شده اند، آگاهی رشدیابنده ای در رابطه با نقش و ارزش واقعی

پیام فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری

جهانی به مناسبت ماه مه

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به مناسبت اول ماه مه، دروهای برادرانه خود را برای همبستگی بین‌المللی به مردم زحمتکش و اتحادیه‌های کارگری تمام کشورها اعلام می‌کند، و آرزومند پیروزی آنها در پیکارشان برای زندگی بهتر در جهانی بهتر است. همان طوری که اتحادیه‌های کارگری و دیگر سازمانهای اجتماعی در سالهای اخیر اعلام کرده اند یک دنیای بهتر برآستی هم ممکن است و هم ضروری.

فعالیتها و اعتصاب‌های سراسری بیشمار اتحادیه‌های کارگری در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، اروپا و خاورمیانه علیه بیکاری، فقر، گرسنگی و بیماری و دفاع از حقوق، اشتغال و مطالبات اقتصادی و سیاسی در سالهای اخیر همه نشاندهنده هدفهای شفاف مردم زحمتکش و اتحادیه‌های کارگری و عزم آنها برای پیگیری این تلاش و مبارزه است. برای کاهش پیامدهای طاقت فرسای اجتماعی «جهانی سازی» امپریالیسم، در مجمع اتحادیه‌های سندیکای جهانی و دیگر نشست‌های اتحادیه‌های کارگری در چارچوب مجمع اجتماعی جهانی در شهر مومبایی در هندوستان که در اوائل سال میلادی برگزار شد، بر این مطالبات مجدداً تأکید شد. به مناسبت اول ماه مه، بیاید با یاری یکدیگر تلاشهای خود را بطور مشترک برای اتحاد نیروهایمان، برای مبارزه خواستهای اقتصادی و اجتماعی در راه صلح، حقوق ملتها و خلقها و پیشرفت اجتماعی تقویت کنیم.

بیاید همگی با هم با مطالبه و پافشاری خود، همه دولت‌ها را به التزام در اجرای قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد واداریم وادامه سیاست‌های نظامیگرانه و جنگ افروز بوش در ایالات متحده آمریکا و متحد نزدیکش دولت اسرائیل، که سرزمین‌های متعلق به اعراب در فلسطین، بلندیهای جولان در سوریه و بخشی از جنوب لبنان را در اشغال غیرقانونی خود دارد و به خود اجازه می‌دهد که قوانین حقوق بشر و بین‌المللی را بطور فاحشی پایمال کند، متوقف گردند. به اشغال عراق از جانب نیروهای آمریکا و متحدانش باید هر چه سریعتر پایان داد و حاکمیت ملی آن را دوباره استقرار بخشید. اداره و وظیفه بازسازی یک عراق مستقل، آزاد و دموکراتیک باید به خود مردم سپرده شود. بیاید همه با هم از سازمان ملل متحد بخواهیم که همه دولت‌های عضو سازمان جهانی کار را موظف کند که معیارهای بین‌المللی تعیین شده کارگری را اجرا کنند و گامهایی قاطع علیه مرتکبین هجوم و سوءقصد به اعضای اتحادیه‌های کارگری بردارند. بیاید همه با هم خواهان اجرای تمام توصیه‌های کمیسیون سازمان جهانی کار در باره جهانی سازی شویم.

بیاید همه با هم از سازمان ملل متحد بخواهیم که کار خود را برای تنظیم آیین‌نامه‌های کنترل عملکرد شرکت‌های فراملی دوباره آغاز کرده و تضمین نماید که این شرکت‌ها، معیارهای تعیین شده بین‌المللی کارگری را، بویژه در مورد حق سازماندهی کارکنانشان و حق مذاکره و بستن قرارداد دسته جمعی را، اجرا کنند.

بیاید همه با هم بخواهیم که سیاستهای «جهانی شدن»، مورد بازبینی جدی قرار گیرد، به ترفندهای «آزاد سازی» و خصوصی سازی خاتمه داده شود و نمایندگان عضو سازمان ملل، با برداشتن گامهای موثر، خطوط کلی ترسیم شده در کنفرانس اهداف هزاره این سازمان را به مرحله اجراء در آورند. بیاید همه با هم بخواهیم به همه اشکال تجاوز و اشغال، محاصره اقتصادی، تهدید علیه حاکمیت ملی کشورهایی مانند کوبا، ایران، سوریه، کره شمالی و دیگر کشورها و همچنین سرکوب حقوق مردم، بیدرتنگ پایان داده شود.

بیاید همه با هم بخواهیم که مصوبه سازمان ملل بنام خلع سلاح برای توسعه، همان طوری که مورد توافق کشورهای عضو قرار گرفته پیگیری شود و نیز همه برای دنیایی بهتر، که برآستی امکان پذیر و ضروری است تلاش کنند.

از همه مهمتر، به مناسبت ماه مه سال ۲۰۰۴، عزم خود را برای ارتقاء اتحاد عمل مشترک و وحدت اتحادیه‌های کارگری جهان برای پیشبرد حقوق، منافع و خواست‌های مردم زحمتکش، و در راه، توسعه اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان، بیشتر تقویت کنیم.

ادامه مبارزه برای افزایش دستمزدها...

در این سال با حداقل دستمزدی معادل ۶۹۸۴۶۰ ریال قدرت خرید کارگران به شدت سقوط کرده و چنگال فقر گلوی خانواده‌های کارگری را در هم می‌فشد. در سال کنونی نیز، بر پایه برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و کلاسمت گیری اقتصادی رژیم، بار دیگر سطح حداقل دستمزدها بسیار پایین تر از نرخ واقعی تورم تعیین گردید.

بر اساس طرح سه جانبه گرای که وزارت کار، خانه کارگر و نظایر آنها، پیرامون آن تبلیغات گسترده‌ی بی‌راه انداخته‌اند، شورای عالی کار برای سال ۱۳۸۳ حداقل دستمزد را ماهیانه ۱۰۶ هزار و ۶۰۰ تومان اعلام داشت. این میزان چنان با واقعیهایی موجود در تضاد قرار دارد که، معاون وزیر کار اعتراف نمود: «دستمزد کارگران به تنهایی با تورم همخوانی ندارد و اگر قرار بود تورم را به تنهایی لحاظ کنیم، این رقم به دست نمی‌آمد.»

جالب اینجاست آماري که ارگان‌های وابسته به رژیم در زمینه خط فقر انتشار داده‌اند، حاکی از آن است که با دستمزدی کمتر از ۲۰۰ هزار تومان نمی‌توان از حداقل زندگی برخوردار بود. در این خصوص یکی از نمایندگان کارگران استان خوزستان ضمن بیان مخالفت با مصوبه شورای عالی کار از جمله تأکید نمود: «چگونه می‌توان با حقوق ماهیانه ۱۰۶ هزار تومان زندگی کرد، در حالیکه با مبلغ ۲۰۷ هزار تومان در ماه، برای یک خانوار ۵ نفره کارگری حتی نمی‌توان یک وعده غذایی گرم فراهم کرد.» به این ترتیب در سال جاری خورشیدی نیز شاهد آن بودیم، رژیم ولایت فقیه چگونه برخلاف اراده زحمتکشان، میزان حداقل دستمزد را پائین تر از نرخ واقعی تورم تعیین نمود.

با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، بدون تغییر در سمت گیری اقتصادی - اجتماعی، نمی‌توان انتظار تحول مثبت در چگونگی تعیین میزان حداقل دستمزدها بطور سالیانه و مطابق نرخ واقعی تورم را داشت.

باید مبارزه در راه افزایش سطح دستمزدها و پرداخت به موقع آن را در پیوند با مخالفت جدی و آگاهانه با سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه طرح کرد و با اتصال آن با مبارزه ضد استبدادی به عنوان رشته اصلی پیکار علیه ارتجاع، در ارتقاء کیفی سطح سازماندهی و همبستگی جنبش کارگری - سندیکائی گام بلند به پیش برداشت

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 685
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

27 April 2004

**شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما**
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse